

ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی
1	a bit	یک کمی، یک ذره	61	fully	کاملاً، تماماً	121	positive	مثبت	181	unimportant	بی اهمیت، غیر مهم
2	above all	موارد فوق	62	gain	بدست آوردن، پیدا کردن، کسب کردن	122	pray	عبادت کردن، نماز خواندن	182	unsafe	ناامن، خطرناک
3	access	دسترسی، دستیابی، دسترسی داشتن	63	gain weight	وزن اضافه کردن	123	predict	پیشگویی کردن، پیش بینی کردن	183	vacuum cleaner	جارو برقی
4	addict	اعتیاد کردن	64	general	عمومی، جامع، همگانی، ژنرال	124	prefer	ترجیح دادن	184	vitamin	ویتامین
5	addiction	اعتیاد	65	gerund	اسم مصدر(ing+ فعل)	125	prefix	پیشوند	185	volleyball	بازی والیبال
6	adjective maker	صفت ساز	66	get away!	برو کنارا	126	present perfect	ماضی نقلی	186	wake up	بیدار کردن
7	adverb maker	قید ساز	67	go away!	برو پی کارت!	127	present progressive	حال استمراری	187	was born	متولد شد
8	ahead	پیش، به جلو	68	goal	(در فوتبال) دروازه، هدف	128	press	فشار دادن، مطبوعات	188	Watch out!	مراقب بودن، مواظب باش
9	-al	پیشوند صفت ساز	69	golf	بازی چوگان یا گلف	129	prevent	جلوگیری کردن، پیش گیری کردن	189	weight	وزن
10	anti-cancer	ضد سرطان	70	grocery	بقالی، خواربار فروشی	130	produce	تولید کردن	190	wellness	خوبی، نیکی
11	anyone	هرکس، هیچ کس	71	habit	عادت، خو	131	properly	بدرستی، بطور شایسته، بطور صحیح	191	worthy	لایق، شایان، سزاوار
12	as well (as)	بخوبی، بعلاوه	72	hang out	وقت گذراندن	132	proportion	نسبت، تناسب	192	You won!	تو بردی!
13	avoid	خودداری کردن از، پرهیز کردن از، اجتناب کردن از	73	happiness	خوشحالی، شادی، خرسندی	133	protein	پروتئین	تهیه شده توسط استاد احمد باقری		
14	balance	تبادل، توازن، متعادل کردن	74	harm	آسیب، زیان، ضرر، خسارت، آسیب رساندن (به)	134	rarely	بندرت			
15	balanced	متعادل، متوازن	75	harmful	مضر	135	re-	(پیشوند) دوباره	برای دیدن ویدیوهای آموزشی به چنل یوتیوب و کانال آپارات ما مراجعه کنید		
16	bike	دوچرخه	76	headset	یک زوج گوشی تلفن	136	reality	حقیقت، واقعیت، هستی			
17	blood pressure	فشار خون	77	healthier	سالمتر، تندرست تر	137	reason	سبب، علت، دلیل	https://www.aparat.com/Galaxyenglish.ins		
18	bored	بی حوصله، کسل	78	heart attack	حمله قلبی	138	recent	تازه، اخیر			
19	business	تجارت، کار و کسب	79	heartbeat	ضربان قلب	139	recreational	تفریحی	https://www.youtube.com/@English_with_Bagheri		
20	busy	مشغول، پرمشغله	80	higher	بلندتر، مرتفع تر	140	regular	منظم، با قاعده			
21	call back	دوباره با کسی تماس گرفتن	81	hike	گردش رفتن، پیاده روی کردن	141	relating to	مربوط به، مرتبط با			
22	calorie	کالری (واحد سنجش گرما)	82	homeless	بی خانمان، آواره	142	replay	بازپخش کردن			
23	candy	آب نبات	83	homework	مشق، تکلیف	143	research	تحقیق کردن، پژوهش کردن			
24	cause	سبب، علت، باعث شدن	84	hurry up	عجله کردن	144	retire	بازنشسته کردن/ شدن			
25	certain	معین، ویژه، بعضی، مطمئن	85	im-	(پیشوند منفی ساز) بدون، بی، نا	145	rewrite	دوباره نوشتن، باز نویسی کردن			
26	come on!	عجله کن!، (به دنبال کسی) رفتن، روانه شدن	86	improve	بهبتر کردن، اصلاح کردن، بهبود یافتن، پیشرفت کردن	146	running	دو، مناسب برای مسابقه دو، (آب) جاری			
27	confuse	گیج کردن، دست پاچه کردن	87	in-	(پیشوند منفی ساز) غیر-، نا-	147	sail	کشتیرانی کردن، بادبان			
28	contain	شامل شدن، دارا بودن، در برداشتن، گنجایش داشتن	88	incorrect	نادرست، غلط، غیر دقیق	148	scanner	پیمایشگر			
29	couch potato	معتاد به تلویزیون	89	influence	تاثیر گذاشتن، اثر گذاشتن، نفوذ، اثر	149	scientific	علمی، وابسته بعلم			
30	create	آفریدن، خلق کردن	90	invitation	دعوت	150	secret	راز			
31	cure	علاج، شفا، درمان کردن، شفا دادن	91	-ion /-tion /-sion	پسوند اسم ساز	151	serious	جدی، مهم ، خطرناک، وخیم			
32	dangerous	خطرناک، خطر	92	jog	آهسته دویدن	152	serving	پرس، وعده			
33	decrease	کاهش، نقصان، کاهش یافتن، کم کردن/ شدن، کاستن	93	keep on	ادامه دادن	153	since	از وقتی که، چون			
34	definition	معنی، تعریف، شرح	94	key point	نکته کلیدی	154	skating	اسکیت بازی			
35	depressed	دلتنگ، پریشان، افسرده، غمگین	95	limit	حد، محدود کردن	155	skim	بطور سطحی خواندن			
36	depression	افسردگی، پریشانی	96	line	خط، سطر، بند	156	smartphone	تلفن همراه هوشمند			
37	diet	پرهیز، رژیم گرفتن	97	look back	به گذشته نگاه کردن، به عقب نگاه کردن	157	smoker	سیگاری			
38	direct	مستقیم، هدایت کردن، اداره کردن	98	look after	مراقبت کردن از	158	snack	خوراک مختصر، خوراک سرپایی			
39	disagree	مخالف بودن، ناسازگار بودن	99	main idea	ایده اصلی	159	socialize	اجتماعی کردن			
40	disease	بیماری	100	maker	سازنده، خالق	160	specialist	متخصص			
41	dish	ظرف، بشقاب	101	maybe	شاید، احتمالاً	161	spend	صرف کردن، خرج کردن، گذراندن			
42	dislike	دوست نداشتن، بیزار بودن	102	mid-	(پیشوند) نیم	162	sportsperson	ورزشکار			
43	disorder	بی نظمی، اختلال، آشفتگی، کسالت، برهم زدن	103	middle	میان، وسطی	163	stage	صحنه نمایش			
44	drug	دارو	104	midterm	میان ترم	164	suffix	پسوند			
45	education	آموزش و پرورش، تعلیم	105	mile	مقیاس سنجش مسافت، معادل 1609 متر	165	swimming	شنا			
46	effect	اثر، نتیجه	106	mineral	میلیون، هزار در هزار	166	take care!	مراقب باش			
47	effective	موثر، قابل اجرا	107	mission	ماموریت	167	take notes	یادداشت برداشتن			
48	emotional	احساساتی، عاطفی	108	mount	کوه	168	take part in	شرکت کردن در			
49	enable	توانا ساختن، قادر ساختن	109	music	موزیک، موسیقی، آهنگ	169	taste	چشیدن، مزه کردن، مزه دادن، مزه، طعم			
50	enabled	توانا	110	necessary	لازم، واجب، ضروری	170	the Fire Service	آتش نشانی			
51	event	واقعه، رویداد، اتفاق	111	nervous	عصبی، دستپاچه	171	the net	اینترنت			

52	factor	عامل، فاکتور	112	-ness	پسوند اسم ساز	172	tired	خسته			
53	factory	کارخانه	113	note	اسکناس، یادداشت، توجه کردن به، ملاحظه کردن	173	title	لقب، سمت، عنوان، عنوان کتاب			
54	fill in	پر کردن	114	noun maker	اسم ساز	174	topic	موضوع، مبحث، عنوان، سرفصل			
55	flat	مسطح، پهن، هموار، صاف، پنجر	115	oil	روغن، نفت	175	towards	بسوی، بطرف			
56	flat tire	تایر پنجر	116	Olympics	بازیهای المپیک (هر 4 سال یک بار)	176	turn round!	برگرد!			
57	for sure	مطمئنا	117	opposite	مخالف، معکوس، بر عکس، مقابل	177	TV series	سریال یا مجموعه تلویزیونی			
58	forbidden	ممنوع کردن، منع کردن	118	-ous	پسوند صفت ساز	178	two-word	دو کلمه ای			
59	frequency	فراوانی، تکرار، فرکانس، تناوب	119	particular	مخصوص، ویژه، خاص	179	un-	پیشوند بمعنی «لا» و «نه» و «غیر» و «عدم» و «نا»			
60	-ful	(پسوند صفت ساز) پُر، -دار، -ناک	120	phrasal verb	فعل دوکلمه ای	180	unhealthy	ناسالم، بیمار			
		dis-		[dishonest]	پیشوند: دور، جدا، [disperse]-پیشوند: محروم کردن، اخراج کردن [disbar _ disfrok]، زدا، نا - [disappear]-پیشوند: مخالف کردن، معکوس کردن، وارون [disable]، -پیشوند: نه -، بی - [dishonest]						
		early			(میوه) پیش‌رس، نوبر، (مرگ)زودرس، پیش از موقع، (متن، اثر) کهن، قدیمی، پیشین، (تاریخ) باستانی، کهن، (انسان، کلیسا و غیره) اولیه، نخستین، آغازین، (صبح، بهار و غیره) اوایل، آغاز، ابتدا						